

شهید ناصر گرجی

زاده(متین)



کنجکاو ی زیاد و حس پویایی او باعث شده بود تا از کنار هیچ مسئله ای بدون بررسی کامل نگذرد . امام را بسیار دوست می داشت .

به خاطر علاقه وافری که به دروس عربی داشت در سال ۵۳ در کلاس شهید حقانی در مسجد کوفه با عده ای از دوستان مذهبی خود شرکت کرد و در واقع این گونه برنامه ها و کلاسها از جمله اصول و عقاید و مسائل سیاسی که از طرف شهید حقانی در شرایط خفقان برگزار می شد افکار سیاسی ایشان را شکل بخشید.

در دوره راهنمایی به غیر از فعالیتهای چشمگیر در بین همکلاسان و همراهان خود در اداره کتابخانه ، مدرسه و ترویج برنامه های اسلامی در بین همشاگردیها و معلمین بسیار موثر بود .

از سالهای ۵۵ به بعد با شروع دوران دیگری از تحصیل در دبیرستان با نیروی فکری قویتر و فعالیت بیشتری از شرایطی که اکثر جوانان دور از مسائل زمان بودند کارشان را با همکاری در مسجد فاطمیه و سر وسامان دادن به تشکیل جلسات و سخنرانی هایی که از روحانیون مبارز دعوت بعمل می آمد پی گرفت .

اداره اولین کتابفروشی اسلامی به نام ساحل کتاب که به وسیله برادرش جهت ارشاد و آگاهی جوانان به وجود آمدنبا ایشان بود که از همین طریق بسیاری از جوانان متعهد و مومن را برای کتاب خواندن و بحث در باره مسائل سیاسی مذهبی به این محل می آمدند را با افکار انقلابی آشنا کرد .

در مجالسی از قبیل مراسم شب هفت آیت الله شهید آقا مصطفی فرزند گرانقدر حضرت امام خمینی (ره) که در شرایط حساسی با توجه به جو موجود برگزار می شد وعده ای خاص شرکت می کردند حضور موثری داشت .در حالی که هنوز حرکتی حاکی از جنبش مردم به چشم نمی خورد

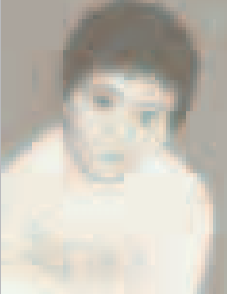
با تحریب مشروب فروشی ها و دیگر اماکن فساد و پخش اعلامیه های حضرت امام گام مهمی در حرکت انقلابی هرمزگان ایجاد کرد .

تا این که در اردیبهشت ۵۷ که یکی از روحانیون مبارز در مسجد فاطمیه به مدت ۱۰ شب جهت ایراد سخنرانی دعوت شده بودند شب ۴ یا ۵ بعد از سخنرانی ایشان به وسیله موتور سنگلتی که از دوستانشان امانت گرفته بود در حالی که تعدادی نوار مراسم کنتنار نیز و مقداری اعلامیه در زیر لباسهایشان پنهان بود از مسجد به طرف محلی که در نظر داشت حرکت کرد که مورد تعقیب مامورین ساواک قرار گرفت و به خاطر اضطراب و فرار از دست مزدوران ستمشاهی اش شهر خارج شده تا این که روبروی اداره راه و ترابری بدست عمال رژیم منقور پهلوی به شهادت رسید و به خیل شهدای اسلام پیوست.

شهید حسین نظری



شهید مژگان خضری



در تاریخ ۱۱/۴/۱۳۵۴ در شهرستان بندرعباس به دنیا آمد .

وی هنگام هجوم نیروهای شهریانی آن رژیم به تظاهر کنندگان و پناه دادن تعداد زیادی از تظاهرکنندگان در منزل درحالی که جلوی درمنزل ایستاده بود بر اثر تیراندازی شدید نیروهای رژیم ستمشاهی در سن سه و نیم سالگی در تاریخ ۱۴/۱/۱۳۵۷ به شهادت رسید .

شهید جهانگیر امینی

در سال ۱۳۲۷ در جزیره کوچک هرمز، پای به دنیا نهاد . روزهای سخت زندگی را با غم از دست دادن پدر در سه سالگی در برابر دیدگان خود احساس نمود . از این رو پس از اتمام دوران ابتدایی برای تأمین مایحتاج خانواده اش به شغل کارگری روی آورد، در شانزده سالگی به شهرستان میناب نقل مکان نمود و درمغازه آرایشگری مشغول به کار شد .

وی در سال۱۳۵۳ با خانمی از زمره سادات ازدواج کرد که ثمره آن دو دختری می باشد . در آن سالهای ظلمت و فقر ، او شرط پیروزی حق بر باطل را آگاهی مردم می دانست از این رو تصمیم به برقراری ارتباط با انقلابیون گرفت و به شهرستان بندرعباس آمد و با برادران انقلابی از جمله آقای متین و… آشنا شد اما طولی نکشید که دستگیری افراد انقلابی آغاز شد ، در سال پنجاه و پنج با کمک امام جمعه میناب توانست در پخش نوارها و اعلامیه ها ، دین خود را به مردم میناب ادا کند .

او که جنگ مسلحانه با رژیم درخیمان پهلوی را آرزوی دیرینه خود می دانست سرانجام در تظاهرات خیابانی ۲۴مهرماه ۱۳۵۷ در میدان شهدا ، شب هنگام در پی اعتراضی که به مامورین شاه در حالی که آب بر روی مردم می پاشیدند نمود سینه اش مورد اصابت گلوله های سربیشان قرار گرفت و پیکرش نقش بر زمین شد .

نیروهای ساواک نیز که او را حامی مردم مستضعف و محروم می دانستند برای این که مانع برپایی تظاهراتی دیگر شوند تشیع پیکر خونین وی را در محاصره کامل و بدون حضور خانواده و مردم برگزار کردند و او دیگر هرگز نتوانست در آخرین لحظات بودنش در این دنیا کردکانش را در آغوش بگیرد.

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ

شعور سرخ



آسیب شناسی تئاتر دفاع مقدس

درهر پدیده هنری چندین محور نقش تعیین کننده ای دارند و ضعف و نارسایی در هر یک از آن ها ، کلیت فرایند آن تولید تا باز خورد مخاطب را با مشکل مواجه خواهد ساخت . محورهایی یاد شده را می توان چنین ترسیم کرد :

- سیاست گذاری
- مدیریت
- اقتصاد و امکانات
- آموزش
- تحقیق و پژوهش
- تولید
- توزیع و اجرا
- تبلیغات و رسانه ها

اما آسیب چیست و آسیب های تئاتر دفاع مقدس کدامند؟

آسیب در لغت به معنی آزار، گزند، درد رنج ، صدمه، زيان، خسارت، کوب، ضرب ضربه و… آمده است. که این مفاهیم ما را در شناسایی آسیب های موجود در یک پدیده یاری خواهند نمود.

تئاتر دفاع مقدس به خاطر ماهیت جنگ هشت ساله ی ایران و عراق ، شکل ویژه و مختص به خود را دارد و با تئاتر های موجود در جهان تفاوت ماهوی زیادی دارد .

.. کلاوز ویتس " جنگ را عملی خشونت بار می داند که زاده خشونت است . به نظر او ادامه جنگ ادامه سیاست از طریق دیگر است . اما در هر حال جنگ با همه ابعاد و زوایایش بر تمام ارکان یک کشور اعم از فرهنگ ،سیاست اقتصاد ، هنر و .. تأثیری بس عمیق و غیر قابل انکار دارد.

نگاه به پدیده جنگ در کشور ما با توجه به آموزه های فرهنگی و دینی که در میان مردم رایج است . بار دیگر جوامع و کشورهای دنیا کمی متفاوت است . این که کشور ما در جنگ با عراق شروع کننده و متجاوز نبوده و تنها به دفاع پرداخته است .

با توجه به اسناد و مدارک بین المللی و تاریخی قابل اثبات و مشخص است . و این امر باعث شده که در کشور ما به جای واژه جنگ از کلمه دفاع مقدس برای این رویداد استفاده شود .

نمایش ،بیان و تکرار خاطرات دلآوری ها ، جان فشانی ها و از خود گذشتگی رزمندگان این دفاع که واژه مقدس نیر بدان اضافه شده است ، به نوع انتقال فرهنگی از نسلی به نسل دیگر است .

راه ها و ابزارهای متفاوتی از جمله ادبیات و شعر هنرهای نمایشی و تصویری ،هنرهای تجسمی ،موسیقی و .. برای معرفی و بیان ارزش های فرهنگی اجتماعی و دینی نهفته در این دفاع

# آشنایی با

# شهدای انقلاب اسلامی استان هرمزگان



شهید علی سایانی



در ۲۹ فروردین ۱۳۴۴ در مرودشت شیراز دیده به جهان گشود . روز تولدش مصادف با میلاد امام علی النقی (ع) پیشوای دهم از خانواده عصمت و طهارت بود، لذا او را علی نام نهادند . دوران کودکی علی در مسافرتهای پیاپی سپری شد . به تدریج که بزرگتر شد درد جامعه را بیشتر احساس نمود .

در ماه رمضان روزه و نمازش ترک نمی شد و در وقت افطار، اول غذا را به همسایه های دور و بر و دوستان نزدیک که وضع مالی خوبی نداشتند می بخشید و سپس خود افطار می نمود . در دوران نوجوانی از کرمانشاه به بندرعباس آمد و پس از چندی که انقلاب در شهرهایی چون قم و تبریز و تهران به اوج خود رسیده بود در حالی که در بندرعباس سیر اولیه اش را طی می کرد به صف انقلابیون پیوست و فعالیتهای خود را آغاز نمود . گاهی شهید سایانی شبها تا دیر وقت بیدار می ماندو با کمک دوستانش اعلامیه ها و پیامهای امام را دستنویس کرده و صبح زود آنها را در کشتو میز مدرسه می گذاشت تا دیگران از این طریق با اوضاع کشور آشنا شوند. همچنین نوارهای سخنرانی امام را از دوستان خود گرفته و آنها را تکثیر و پخش می کرد. بعضی مواقع نیز نوارهای امام را به منزل می آورد تا خانواده اش نیز بی نصیب نمانند . شهید علی سایانی در برابر اعتراضاتی که نسبت به فعالیتهايشان از سوی عده ای مطرح می شد و او را تشویق به درس خواندن می کردند با شهامت تمام ابراز می داشت که مطلب کتابهای درسی درد جامعه و حقیقت اوضاع اجتماع را بیان نمی کنند .

شهید علی سایانی همچنان ساواک را به باد تسمخر می گرفت و در مسافرتهای که به روستاهای اطراف داشتند به کشاورزان نوید می داد که بزودی شما آزاد می شوید. در روز ۹ د ماه در آموزش و پرورش مراسمی برگزار بود . پس از اتمام مراسم مردم دو دسته شدند بگفته بطرف فرماندهی رفته و دسته دیگر به طرف فلکه انتهای خیابان شریعتی (شاه حسینی سابق) حرکت نمودند و در مسیر خود چندین مشروب فروشی و بانک را به آتش کشیدند . علی نیز در این تظاهرات شرکت داشت. تلاش فوق العاده او باعث دلگرمی دوستانش می شد.در تظاهراتی دیگر که مردم به طرف خیابان سید جمال الدین آمده بودند ماموران رژیم ناگهان به پرتاب گاز اشک آور و شلیک گلوله پرداختند و او که در نزدیکی دیوار دبستان محمدیه ایستاده و مشغول شعار دادن بود به زمین افتاد و خون از سرش فواره زد . آن بس دود فضا را انباشته بود معلوم شد که حادثه چگونه اتفاق افتاد .ولی طبق گزارش پزشک بیمارستان علت شهادت علی ورود ضربه جسم سنگینی به ناحیه سر او بوده است که احتمال می رود در اثر ضربه کپسول گاز اشک آور بوده باشد . پس از وقوع حادثه یکی از دوستان علی با خون علی جمله مرگ برشاه را بر دیوار مدرسه نوشت که تا مدتها باقی بود . شهید علی سایانی به مدت یک هفته در بیمارستان بستری بود و سرانجام در روز ۵/۱۱/۵۷ در آرزوی دیرینه خود رسید و به لقا الله پیوست . کاری که قصد انجامش را دارم قبل از گفتار با کردار نشان خواهم داد زیرا عمل من نقشه مرا به جهانبان ظاهر خواهد نمود ،

# ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

ترکیش هایی بر تن زخمی تئاتر

<sup>[1]</sup> ایرج افتاری اصل